

Font: IranianSans-Bold

10/7/2006 14:12

String: /uni0642.init/uni0644.medi/uni0645.fina/space/uni0645.init/uni064A.medi/uniFE8E/uni0646.init/uniFE8E/uni06CC.isol/space/uni064
 Sizes: 5-36, 38, 40, 42, 48, 56, 64, 72 Page 1/2

5. قلم میانای لینوکس فارسی
6. قلم میانای لینوکس فارسی
7. قلم میانای لینوکس فارسی
8. قلم میانای لینوکس فارسی
9. قلم میانای لینوکس فارسی
10. قلم میانای لینوکس فارسی
11. قلم میانای لینوکس فارسی
12. قلم میانای لینوکس فارسی
13. قلم میانای لینوکس فارسی
14. قلم میانای لینوکس فارسی
15. قلم میانای لینوکس فارسی
16. قلم میانای لینوکس فارسی
17. قلم میانای لینوکس فارسی
18. قلم میانای لینوکس فارسی
19. قلم میانای لینوکس فارسی
20. قلم میانای لینوکس فارسی
21. قلم میانای لینوکس فارسی
22. قلم میانای لینوکس فارسی
23. قلم میانای لینوکس فارسی
24. قلم میانای لینوکس فارسی
25. قلم میانای لینوکس فارسی
26. قلم میانای لینوکس فارسی
27. قلم میانای لینوکس فارسی
28. قلم میانای لینوکس فارسی
29. قلم میانای لینوکس فارسی
30. قلم میانای لینوکس فارسی
31. قلم میانای لینوکس فارسی

Font: IranianSans-Bold

10/7/2006 14:12

String: /uni0642.init/uni0644.medi/uni0645.fina/space/uni0645.init/uni064A.medi/uniFE8E/uni0646.init/uniFE8E/uni06CC.isol/space/uni064

Sizes: 5-36, 38, 40, 42, 48, 56, 64, 72

Page 2/2

قلم میانای لینوکس فارسی 33.

قلم میانای لینوکس فارسی 34.

قلم میانای لینوکس فارسی 35.

قلم میانای لینوکس فارسی 36.

قلم میانای لینوکس فارسی 38.

قلم میانای لینوکس فارسی 40.

قلم میانای لینوکس فارسی 42.

قلم میانای لینوکس ف 48.

قلم میانای لینوکس 56.

قلم میانای لینوک 64.

قلم میانای لینو 72.

نمونه جاگذاری اعراب در فونت Iranian Sans

شِیْ شِیْ صِیْ صِیْ ضِیْ ضِیْ لِیْ لِیْ
لِیْ لِیْ مِیْ مِیْ لَیْ لَیْ لَیْ لَیْ
لَیْ لَیْ

پیشگفتار

رَهْبَرِ رُوحانی یک پَنْجُمِ مَرْدُمِ دُنیا، از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار است. با وجود این، بسیاری در آغاز کار **آلبینو لوچانی** (Albino Luciani)، بعنوان **پاپ ژان پل اول** (Papa Johannes Paulus I)، مُشکِل می‌توانستند باور کنند که وی **ظرفیت** پذیرش چنین قدرتی را داشته باشد. **کمروبی و تواضع** این ایتالیایی ۶۵ ساله آرام و کوچک اندام، موجب می‌شد تا بسیاری تصوّر کنند اقدامات وی در مقام **پاپ، چندان جالب توجه نخواهد بود؛** اما آگاهان به مسائل پشت پرده، عقیده‌ای دیگر داشتند: **بِناءِ** هذا آلبینو لوچانی دست به ایجاد **تحولی بزرگ،** دست به یک **انقلاب زده** بود.

تا ۶ مهر ۱۳۵۷، **سی و سه روز** از رسیدن وی به مقام پاپی می‌گذشت. در این **مدّت کم،** اقدامات بسیاری را آغاز کرده بود که در صورت به نتیجه رسیدن، **تأثیری مستقیم و عمیق** بر زندگی **همه** می‌گذاشت. بیشتر مردم دنیا، تصمیماتش را **تحسین می‌کردند** و عده کمی هم، از آنها **واهمه** می‌داشتند. مردی که خیلی زود بعنوان «**پاپ خنده‌رو**» لقب گرفته بود، قصد داشت روز بعد، **لیخند** را از چهره‌های بسیاری بزدايد.

آنشب، **لوچانی** در اتاق غذاخوری **طبقه سوّم** قصر **اپوستولیک** (Apostolic)، در **واتیکان سیتی**، (Vatican City) آماده صرف شام می‌شد. دو تن از **وزرایش**، او را همراهی می‌کردند: **پدر دیگو لورتسی** که بیش از دو سال در دوره سراسقفی **لوچانی** در ونیز، بعنوان اسقف با او همکاری نزدیک داشت و **پدر جان مگی** که بعد از انتخابش بعنوان پاپ، به او پیوسته بود. درحالیکه راهبه‌های ویژه اقامتگاه پاپ، **مضطربانه** اینسو و آنسو می‌رفتند، آلبینو لوچانی، شام مختصری را که عبارت بود از سوپ ساده، **گوشت گوساله**، لوبیای تازه و مقداری سالاد، صرف کرد. به **عبارت آخری** او — درحالیکه **جرعه جرعه** از لیوان، آب می‌نوشید — به **اتفاقات** روز گذشته و **تصمیمات اخیرش**، می‌اندیشید. او اصلاً تمایلی به احراز این سمت نداشت و تلاشی هم **برای بدست آوردن رأی**، برای موفقیت در انتخابات نکرده بود. اکنون، با رسیدن به این مقام، مسئولیتهای زیادی بر دوشش بود.

رَهْبَرِ رُوحانی یک پَنْجُمِ مَرْدُمِ دُنیا، از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار است.

با وجود این، بسیاری در آغاز کار **آلبینو لوچانی** (Albino Luciani)، بعنوان **پاپ ژان پل اول** (Papa Johannes Paulus I)، **مُشکِل** می‌توانستند باور کنند که وی **ظرفیت** پذیرش چنین قدرتی را داشته باشد. **کمروبی و تواضع** این ایتالیایی ۶۵ ساله آرام و کوچک اندام، موجب می‌شد تا بسیاری تصوّر کنند اقدامات وی در مقام **پاپ، چندان جالب توجه نخواهد بود؛** اما آگاهان به مسائل پشت پرده، عقیده‌ای دیگر داشتند: **بِناءِ** هذا آلبینو لوچانی دست به ایجاد **تحولی بزرگ،** دست به یک **انقلاب زده** بود.

تا ۶ مهر ۱۳۵۷، **سی و سه روز** از رسیدن وی به مقام پاپی می‌گذشت. در این **مدّت کم،** اقدامات بسیاری را آغاز کرده بود که در صورت به نتیجه رسیدن، **تأثیری مستقیم و عمیق** بر زندگی **همه** می‌گذاشت. بیشتر مردم دنیا، تصمیماتش را **تحسین می‌کردند** و عده کمی هم، از آنها **واهمه** می‌داشتند. مردی که خیلی زود بعنوان «**پاپ خنده‌رو**» لقب گرفته بود، قصد داشت روز بعد، **لیخند** را از چهره‌های بسیاری بزدايد.

آنشب، **لوچانی** در اتاق غذاخوری **طبقه سوّم** قصر **اپوستولیک** (Apostolic)، در **واتیکان سیتی**، (Vatican City) آماده صرف شام می‌شد. دو تن از **وزرایش**، او را همراهی می‌کردند: **پدر دیگو لورتسی** که بیش از دو سال در دوره سراسقفی **لوچانی** در ونیز، بعنوان اسقف با او همکاری نزدیک داشت و **پدر جان مگی** که بعد از انتخابش بعنوان پاپ، به او پیوسته بود. درحالیکه راهبه‌های ویژه اقامتگاه پاپ، **مضطربانه** اینسو و آنسو می‌رفتند، آلبینو لوچانی، شام مختصری را که عبارت بود از سوپ ساده، گوشت گوساله، لوبیای تازه و مقداری سالاد، صرف کرد. به **عبارت آخری** او — درحالیکه **جرعه جرعه** از لیوان، آب می‌نوشید — به **اتفاقات** روز گذشته و **تصمیمات اخیرش**، می‌اندیشید. او اصلاً تمایلی به احراز این سمت نداشت و تلاشی هم **برای بدست آوردن رأی**، برای موفقیت در انتخابات نکرده بود. اکنون، با رسیدن به این مقام، مسئولیتهای زیادی بر دوشش بود.

در همان حال که خواهران روحانی: **وینچنتزا**، (Vincenza) **آسونتا**، (Asonta) **کلوریندا** (Clorinda) و **گابریتا** (Gabrita) **شام آن سه مرد** را می‌دادند و آنها نیز برنامه اخبار تلویزیون ایتالیا را تماشا می‌کردند، مردان دیگری **بشدت** نگران **فقالیتهای پاپ آلبینو لوچانی** بودند.

یک طبقه پایین‌تر از اقامتگاه پاپ، چراغهای بانک و اتیکان هنوز روشن بود. اسقف پل مارسینکوس، (Paul Marcinkus) **رئیس بانک**، مشغله‌هایی مهمتر از صرف شام داشت. **مارسینکوس**، متولد **شیکاگو**، تلاش برای بقا را در **کوچه پس کوچه‌های محله سالیسرو** در اپلی‌نویز که در **تلاؤ** خورشید آموخته بود. وی در طول مدت پیشرفت چشمگیر و خارق‌العاده‌اش در رسیدن به ریاست **خرانه مالی کلیسا**، لحظه‌های بحرانی بسیاری را پشت سر گذاشته بود و اکنون وارد **جدیترین** میدان مبارزه در تمام عمرش می‌شد. در طی **سی و سه روز** گذشته، همکاران او در بانک، تغییرهای فاحشی را در **رئیس و حافظ میلیونها دلار دارایی و اتیکان** مشاهده می‌کردند. آن **هیكل ۱۸۰** سانتیمتری و **تومند** که به دیگران **فخر** می‌فروخت، تبدیل به موجودی عبوس و **درهم** فروخته شده بود. **لاغری و پربدگی** رنگش کاملاً **بچشم** می‌خورد. **واتیکان سیتی** از بسیاری جهات به **دهکده‌ای** شبیه است و اسرار، معمولاً در **دهکده‌ها مخفی** نمی‌ماند. **خبر** به گوش **مارسینکوس** هم رسیده بود که **پاپ جدید**، **مخفیانه** به بررسی امور بانک **واتیکان** و **بخصوص**، **روشهای مدیریت** وی پرداخته است. از آغاز **دوره پاپ جدید**، **مارسینکوس** بارها در **مورد** معامله‌اش در سال ۱۳۵۱ با **بانکا کاتولیکا دل‌ونتو** (Banca Cattolica del Vento) احساس **پشیمانی** کرده بود.

کاردینال ژان ویلو، **وزیر امور خارجه** و **واتیکان**، **مرد دیگری** بود که آنشب هنوز **پشت میز** کارش **نشسته** بود. او **فهرستی** از ملاقاتها، **برکناریها** و **نقل و انتقالهایی** را که **یکساعت** قبل پاپ به او داده بود، **ورانداز** می‌کرد. **توصیه‌ها**، **استدلالتها** و **حتی جر و بحث** او

نیز، هیچ اثری در پاپ نگذاشت. لوچانی، چون سنگ خارا، سخت بود.

آنچه که لوچانی می‌خواست انجام دهد، با هر معیاری، تحوُّلی بسیار اساسی بود. تصمیمات او کلیسا را در مسیری تازه قرار می‌داد؛ مسیری که ویلو و دیگرانی که قرار بود برگنار شوند، آن را خطرناک می‌دانستند. بدنبال اعلام رسمی این تحوُّلات، تجزیه و تحلیلها، فلسفه‌بافیها، تفسیرها و توضیحات رسانه‌های گروهی دنیا آغاز می‌شد؛ هرچند که واقعیات هرگز ارائه نمی‌گردید. آنچه را که افکار عمومی از آن بی‌خبر می‌ماند، وجه اشتراکی بود که ویلو و دیگران در آن سهیم بودند و همان، سبب برگناریشان بود. ویلو آن مسئله را می‌دانست و مهمتر اینکه پاپ هم از آن اطلاع داشت. البته این مسئله، یکی از عواملی بود که سبب شد پاپ وارد عمل شود و آنها را از قدرت واقعی برگنار نماید و در مقامهای نسبتاً بیخطرتری قرار دهد. این وجه اشتراک فراماسونری بود.

پاپ مدارگی در دست داشت که نشان می‌داد بیش از صد فراماسون (از کشیش گرفته تا حتی کاردینال) در واتیکان حضور دارند. این در حالی بود که قانون کلیسا عضویت در فراماسونری را برابر با مطرود شدن از جامعه روحانیت می‌دانست. آنچه فکر لوچانی را بیشتر به خود مشغول می‌داشت، وجود یک مجمع فراماسونری غیرقانونی بود که در راه کسب ثروت و قدرت، نفوذش را در سرزمینهای وری ایالتا گسترش می‌داد. از نظر او، این مجمع (معروف به پی-۲) بدلیل ارتباطش با کشیش‌ها، اسقف‌ها و حتی کاردینال‌ها، مطرود شمرده می‌شد.

ویلو، حتی قبل از این تصمیم‌گیریهایی شدید نیز، نگران دوران فرمانروایی پاپ جدید بود. او از محدود افرادی بود که از موضوع مکالمه میان پاپ و وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داشت و می‌دانست که در اوّل آبان، هیئتی از کنگره آمریکا وارد واتیکان خواهد شد و روز دوم آبان، با پاپ مذاکرات خصوصی درباره روشهای جلوگیری مصنوعی از حاملگی خواهد داشت.

ویلو با دقت پرونده آلبینو لوچانی را در واتیکان بررسی کرده بود. او همچنین یادداشتهای سرّی ارسالی لوچانی برای پاپ پل ششم را — در دوره‌ای که اسقف ویتریو ونتو بود — خوانده بود. این یادداشتهای، به زمان قبل از اعلام فتوای حیات بشریت بر می‌گشت که بر اساس آن، مسیحیان کاتولیک از استفاده از هرگونه روش جلوگیری مصنوعی از بارداری، منع شده بودند. صحبت‌های خود او با لوچانی نیز برایش نقطه ابهامی درباره موضع پاپ در این جریان باقی نگذاشته بود و می‌دانست که در زمینه تصمیمات اجرایی پاپ جدید نیز در این باره، نقطه ابهامی وجود ندارد. تحوُّلی بسیار اساسی در مواضع واتیکان در شرف وقوع بود؛ تحوُّلی که از نظر ویلو و گروهی دیگر به معنی خیانت به پل ششم تلقی می‌شد. البته بسیاری نیز آن را در آینده، بزرگترین همراهی کلیسا با افکار حاکم بر قرن بیستم می‌خواندند.

با غروب آفتاب روز ششم مهر ۱۳۵۷ در بوئنوس آیرس، بانکدار دیگری به نام روبرتو کالوی، نگران فعالیت‌های پاپ ژان پل اول بود. طی هفته‌های گذشته، او فعالیت‌های پاپ جدید را، با حامیانش لیچو جلی و اومبرتو اورتولانی مطرح کرده بود. او بعنوان رئیس هیئت مدیره بانک آمبرو زیانو، کاملاً در اختیار و زیر نفوذ این دو تن قرار داشت. حتی قبل از اینکه آلبینو لوچانی بر تخت فرمانروایی سن پیتر بنشیند، کالوی با مشکلات بسیاری مواجه بود. بانک ایالتا، از ماه فروردین به بعد، بطور مخفیانه در حال تحقیق و بررسی شعبه بانک کالوی در میلان بود. این اقدام در اواخر سال ۱۳۵۶، در نتیجه چسباندن اعلامیه‌هایی به مخالفت علیه کالوی آغاز شد. در این اعلامیه‌ها، جزئیات بعضی از فعالیت‌های جنایتکارانه کالو، بعنوان بخشی از یک سلسله جنایتهای بین‌المللی فاش شده بود.

کالوی از پیشرفت تحقیقات بانک ایالتا، بخوبی آگاه بود. دوستی صمیمانه‌اش با لیچو جلی، باعث می‌شد که از پیشرفت روزانه کار مطلع شود. وی همچنین به همان نسبت، از تحقیقات پاپ در بانک واتیکان آگاه بود و مانند مارسینگوس، می‌دانست که پس از مدتی این دو تحقیق مستقل، به این نتیجه می‌انجامد که این دو امپراتوری مالی چه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. وی با استفاده از حداکثر قدرتش، از هیچ کوششی برای جلوگیری از تحقیقات بانک ایالتا و حمایت از امپراطوری مالیش فروگذار نمی‌کرد. او در شرف انجام یک اختلاس یک میلیارد دلاری بود.

تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت روبرتو کالوی در مهر ۱۳۵۷، این مسئله را کاملاً روشن می‌کند که چنانچه مرد شریفی جانشین پاپ پل ششم می‌شد، آنگاه کالوی با ورشکستگی و فروپاشی بانک و در نتیجه محکومیت به حبس روبرو می‌گردید. شک نبود که آلبینو لوچانی چنین مردی بود.

میکله سیندونا، بانکدار سیسیلی در نیویورک نیز با نگرانی، فعالیت‌های پاپ ژان پل اول را تحت نظر

داشت. مدت سه سال بود که سیندونا در برابر تلاشهای دولت ایالتا برای استرداد وی مقاومت می‌کرد. دولت ایالتا، خواستار انتقال وی به میلان بود تا در مورد یک کلاهبرداری بیش از ۲۲۵ میلیون دلاری، محاکمه‌اش کند. در اوایل همین سال، در ماه اردیبهشت، بالاخره معلوم شد که سیندونا این مبارزه طولانی را باخته است؛ زیرا طبق رأی یک قاضی فدرال، استرداد سیندونا به ایالتا لازم‌الاجرا شد.

وی با مبلغ سه میلیون دلار ضمانت، آزاد گردید. در همین زمان، وکلایش آماده می‌شدند تا برگ آخر را بازی کنند. آنها از دولت آمریکا، مدرک موّجهی برای توجیه این استرداد خواستند. سیندونا می‌گفت به عقیده او، این اتهامات، توطئه کمونیست‌ها و سیاستمداران دیگر جناحهای چپ بوده است. وکلایش نیز اظهار می‌داشتند که دادستان میلان، مدرکی که می‌تواند سیندونا را تبرئه کند، پنهان نموده و اگر او به ایالتا بازگردد، بیقین بقتل خواهد رسید. جلسه دادگاه به ماه آبان موکول شد.

در آن تابستان، در نیویورک افراد دیگری نیز به نفع میکله سیندونا فعالیت می‌کردند؛ مثلاً یکی از اعضای مافیا و قاتلی حرفه‌ای به نام لوییجی رونسرواله که نیکولا بیازه را تهدید می‌کرد. بیازه در دادگاه علیه سیندونا شهادت داده بود. مافیا، همچنین برای کشتن جان کی دستیار دادستان آمریکا و بازپرس ارشد پرونده استرداد سیندونا، مبلغ یکصد هزار دلار تعیین کرده بود.

اگر پاپ ژان پل اول، به کنکاش در امور بانک واتیکان ادامه می‌داد. هیچ مبلغ هنگفتی از جانب مافیا نمی‌توانست به سیندونا برای عدم استرداد به ایالتا کمک کند. شبکه فساد در بانک واتیکان — که شامل انتقال پول مافیا هم از طریق این بانک می‌شد — غیر از کالوی شخص دیگری را نیز رسوا می‌کرد و آن شخص، میکله سیندونا بود.

در شیکاگو، شاهزاده دیگری از کلیسای کاتولیک نیز نگران اتفاقات واتیکان بود: کاردینال جان کودی، فرمانروای ثروتمندترین اسقفیه جهان. کودی بر بیش از ۲/۵ میلیون کاتولیک، ۳۰۰۰ کشیش و بیش از ۴۵۰ بخش با درآمد سالانه هنگفت حکمرانی می‌کرد. وی از آشکار کردن کل مبلغ درآمد اسقفیه خود امتناع می‌ورزید. مبلغ مذکور، درحقیقت بیش از ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار بود. پنهانکاری در امور مالی تنها یکی از خلفای او را شامل می‌شد. تا سال ۱۳۵۷، سیزده سال از حکمرانی کودی بر کلیسای شیکاگو می‌گذشت و نارضایتی مردم از وی به اوج خود رسیده بود. پاپ پل، سالها برای برگناری او تحت فشار بود. حتی یکبار عزم خود را برای برگناریش جزم کرد؛ اما در آخرین لحظات تصمیم خود را تغییر داد.

در اوایل مهر، کودی پیامی تلفی از رم دریافت کرد. رازی از دهکده واتیکان به بیرون درز می‌کرد؛ رازی از مجموعه اسرار پشت پرده که او سالها برای دریافتشان مبالغ هنگفتی را پرداخت می‌کرد. در این پیام به او اطلاع دادند که آنچه پاپ پل نتوانست انجام دهد. ژان پل انجام داد. پاپ تصمیم گرفته بود که کاردینال ژان کودی را برگنار نماید.

حداقل سه تن از مردان نامبرده، در سایه قدرت شخص دیگری قرار داشتند. لیچو جلی. به او لقب «ارباب دست‌نشانندگان» داده بودند؛ دست‌نشانگانی که تعدادشان زیاد بود و در بسیاری از کشورها گمارده شده بودند. P-۲ در اختیار جلی بود و از این طریق ایالتا را تحت نفوذ خود داشت. ارباب دست‌نشانندگان، بتازگی در بوئنوس آیرس — شهری که در آن با کالوی درباره مسئله پاپ جدید به گفتگو مشغول بود — بازگشت پیروزمندانه ژنرال

نمونه فونت Iranian Sans Bold سایزهای ۸، ۶ و ۴

کوچه پس کوچه‌های محلهٔ سالیسرو در اِپای‌نویز که در تلاؤُف تخریْم اَسْقِیْتِه موختنه بود. وی در طول مدت پیشرفت چشمگیر و خارق‌العاده‌اش در رسیدن به ریاست خزانهٔ مالی کلیسا، لحظه‌های بحرانی بسیاری را پشت سر گذاشته بود و اکنون وارد جدّترین مبدان مبارزه در تمام عمرش می‌شد. در طی سی و سه روز گذشته، همکاران او در بانک، تغییرهای فاحشی را در رئیس و حافظ میلیونها دلار دارایی وایتکان مشاهده می‌کردند. آن هیکل ۱۸۰ سانتیمتری و تومند که به دیگران فخر می‌فروخت، تبدیل به موجودی عبوس و درهم فروخته شده بود. لاغری و پریدیگی رنگش کاملاً پنجم می‌خورد. وایتکان‌سیتی از بسیاری جهات به دهکده‌ای شبیه است و اسرار، معمولاً در دهکده‌ها مخفی نمی‌ماند. خبر به گوش مارسیئوس هم رسیده بود که پاپ جدید، مقایانه به بررسی امور بانک وایتکان و بخصوص، روشهای مدیریت و پرداخته است. از آغاز دورهٔ پاپ جدید، مارسیئوسکوس بارها در مورد معامله‌اش در سال ۱۲۵۱ یا بانک کاتولیکِ دل‌ونتو (Banca Cattolica del Vento) احساس پشیمانی کرده بود.

کاردینال ژان ویلو، وزیر امور خارجهٔ وایتکان، مرد دیگری بود که آتشب هنوز پشت میز کارش نشسته بود. او فهرستی از ملاقاتها، برکناریها و نقل وانتقالهایی را که یکساعت قبل پاپ به او داده بود، ورازدان می‌کرد. نویسه‌ها، اسنادلها و حتی جز و بخت او نیز، هیچ اثری در پاپ نگذاشت. لوجانی، چون سنگ خارا، سخت بود.

آنچه که لوجانی می‌خواست انجام دهد، با هر معیاری، تحوّلی بسیار اساسی بود. تصمیمات او کلیسا را در مسیری تازه قرار می‌داد؛ مسیری که ویلو و دیگرانی که قرار بود برکنار شوند، آن را خطرناک می‌دانستند. بدنبال اعلام رسمی این تحوّلات، تجزیه و تحلیلها، فلسفه‌یافیا، تفسیرها و توضیحات رسانه‌های گروهی دنیا آغاز می‌شد؛ هرچند که واقیعات هرگز ارائه نمی‌گردید. آنچه را که افکار عمومی از آن بی‌خبر می‌ماند، چه اشتراکی بود که ویلو و دیگران در آن سهم بودند و همان، سبب برکنارشمان بود. ویلو آن مسئله را می‌دانست و مهمتر اینکه پاپ هم از آن اطلاع داشت. البته این مسئله، یکی از عواملی بود که سبب شد پاپ وارد عمل شود و آنها را در قدرت واقعی برکنار نماید و در مقعاهای نسبتاً بیخربتری قرار دهد. این وجه اشتراک فرماوسورنی بود.

پاپ مدائری در دست داشت که نشان می‌داد پیش از صد فرماوسون (از کشیش گرفته تا حتی کاردینال) در وایتکان حضور دارند. این در حالی بود که قانون کلیسا عسویت در فرماوسورنی را برابر با مظلوم شدن از جامعهٔ روحانیت می‌دانست. آنچه فکر لوجانی را بیشتر به خود مشغول می‌داشت، وجود یک مجمع فرماوسورنی غیرقانونی بود که در راه کسب ثروت و قدرت، نفوذش را در سرزمینهای واری ایتالیا گسترش می‌داد. از نظر او، این مجمع (معروف به بی-۲) بدلیل ارتباطش با کشیش‌ها، اسقفها و حتی کاردینالها، مظلوم شمرده می‌شد.

ویلو، حتی قبل از این تصمیم‌گیریهای شدید نیز، نگران دوران فرمانروایی پاپ جدید بود. او در حدود افرادی بود که از موضوع مکالمهٔ میان پاپ و وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داشت و می‌دانست که در اول آبان، هیئتی از کنگرهٔ آمریکا وارد وایتکان خواهد شد و روز دوم آبان، با پاپ مذاکراتی خصوصی دربارهٔ روشهای جلوگیری مصنوعی از حاملگی خواهد داشت.

ویلو با دقت پرورندهٔ آلبینو لوجانی را در وایتکان بررسی کرده بود. او همچنین یاداشتهای سزوی ارسالی لوجانی برای پاپ ششم را — در دوره‌ای که اسقف ونوریو ونو- ونو بود — خوانده بود. این یاداشتها، به زمان قبل از اعلام فتوای حیات بشریت بر می‌گشت که بر اساس آن، مسیحیان کاتولیک از استفاده از هرگونه روش جلوگیری مصنوعی از بارداری، منع شده بودند. صحبتهای او با لوجانی نیز برایش نقطهٔ ابهامی دربارهٔ موضع پاپ در این جریان باقی نگذاشته بود و می‌دانست که در زمینهٔ تصمیمات اجرایی پاپ جدید نیز در این باره، نقطهٔ ابهامی وجود ندارد. تحوّلی بسیار اساسی در مواضع وایتکان در شرف وقوع بود؛ تحوّلی که از نظر ویلو و گروهی دیگر به مهمی حیاتی به پل ششم تلقی می‌شد. البته بسیاری نیز آن را در آینده، بزرگترین همراهی کلیسا با افکار حاکم بر قرن بیستم می‌خواندند.

با غروب آفتاب روز ششم مهر ۱۲۵۷ در بوتئوس-آیرس، بانکدار دیگری به نام وریئو کالوی، نگران فعالیتهای پاپ ژان پل اول بود. طی هفته‌های گذشته، او فعالیتهای پاپ جدید را، با حامیانش لئجو جتی و اومبرتو اورئولانی مطرح کرده بود. او بنیوان رئیس هیئت مدیرهٔ بانک آمیرو زیانو، کاملاً در اختیار و زیر نفوذ این دو تن قرار داشت. حتی قبل از اینکه آلبینو لوجانی بر تخت فرمانروایی سن پیتر بنشیند، کالوی با مشکلات بسیاری مواجه بود. بانک ایتالیا، از ماه فروردین به بعد، به‌طور مخفیانه در حال تحقیق و بررسی ششیهٔ بانک کالوی در میلان بود. این اقدام در اواخر سال ۱۲۵۶، در نتیجهٔ جسیاندن اعلامیه‌هایی به مخالفت علیه کالوی آغاز شد. در این اعلامیه‌ها، جزئیات بعضی از فعالیتهای جانبکارانهٔ کالو، بنیوان بخشی از یک سلسله جانبهای بین‌المللی فاش شده بود.

کالوی از پیشرفت تحقیقات بانک ایتالیا، بخوبی آگاه بود. دوستی صمیمانه‌اش با لئجو جتی، باعث می‌شد که از پیشرفت روزانهٔ کار مطلع شود. وی همچنین به همان نسبت، از تحقیقات پاپ در بانک وایتکان آگاه بود و مانند مارسیئوس، می‌دانست که پس از مدّتی این دو تحقیق مستقل، به این نتیجه می‌انجامد که این دو امپراتوری مالی چه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. وی با استفاده از حدانکر قدرتش، از هیچ کوششی برای جلوگیری از تحقیقات بانک ایتالیا و حمایت از امپراطوری مایشش فروقردار نمی‌کرد. او در شرف انجام یک اختلاس یک میلیارد دلاری بود.

تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت وریئو کالوی در مهر ۱۲۵۷، این مسئله را کاملاً روشن می‌کند که چنانچه مرد شریفی جانشین پاپ پل ششم می‌شد، آنگاه کالوی با ورشکستگی و فروپاشی بانک و در نتیجهٔ محکومیت به حبس روبرو می‌گردید. شک نبود که آلبینو لوجانی چنین مردی بود.

میکله سیندونا، بانکدار سیسیلی در نیویورک نیز با نگرانی، فعالیتهای پاپ ژان پل اول را تحت نظر داشت. مدت سه سال بود که سیندونا در برابر تلاشهای دولت ایتالیا برای استرداد وی مقاومت می‌کرد. دولت ایتالیا، خواستار انتقال وی به میلان بود تا در مورد یک کلاهبرداری بیش از ۲۲۵ میلیون دلاری، محاکمه‌اش کند. در اوایل همان سال، در ماه اردیبهشت، بالاخره معلوم شد که سیندونا این مبارزهٔ طولانی را باخته است؛ زیرا طبق رای یک قاضی فدرال، استرداد سیندونا به ایتالیا لازم‌الاجرا شد.

وی با مبلغ سه میلیون دلار ضمانت، آزاد گردید. در همین زمان، وکلایش آماده می‌شدند تا برگ آخر را بازی کنند. آنها از دولت آمریکا، مدرک سوخچی برای توجیه این استرداد خواستند. سیندونا می‌گفت به عقیدهٔ او، این اتهامات، توطئهٔ کمونیستها و سیاستمداران دیگر جناحهای چپ بوده است. وکلایش نیز اظهار می‌داشتند که دادستان میلان، مدرکی که می‌نواند سیندونا را تبرئه کند، پنهان نموده و اگر او به ایتالیا بازگردد، یقین نقل خواهد رسید. جلسهٔ دادگاه به ماه آبان موکول شد.

در آن تابستان، در نیویورک افراد دیگری نیز به نفع میکله سیندونا فعالیت می‌کردند؛ ملکی از اعضای مافیای و قانلی حرفه‌ای به نام لویجی روسترواله که نیکولا بیازه را تهدید می‌کرد. بیازه در دادگاه علیه سیندونا شهادت داده بود. مافیای، همچنین برای کشتن جان کی دستیار دادستان آمریکا با وایرس ارشد پرورندهٔ استرید سیندونا، مبلغ یکصد هزار دلار نذر کرده بود.

اگر پاپ ژان پل اول، به کنکاش در امور بانک وایتکان ادامه می‌داد. هیچ مبلغ هنگفتی از جانب مافیای نمی‌نواست به سیندونا برای عدم استرداد به ایتالیا کمک کند. شبکهٔ فساد در بانک وایتکان — که شامل انتقال پول مافیای هم از طریق این

پرون را به مسند قدرت فراهم کرده بود و پرون نیز به پاس خدمات او در جلوی پایش زانو زد. اگر بر اثر اقدامات آلبینو لوجانی، خطری مارسیئوس، سیندونا یا کالوی را تهدید می‌کرد، منافع جلی نیز ایجاب می‌کرد که از آنها رفع خطر کند.

در آن روز ششم مهر ۱۳۵۷، بوضوح روشن بود که این نشش مرد: مارسیئوسکوس، ویلو، کالوی، کودی، سیندونا و جتی از ادامهٔ کار ژان پل اول بعنوان پاپ، وحشت دارند و باز روشن بود که همهٔ آنها می‌توانند از راههای مختلفی قدرت خود را حفظ کنند؛ اگر، پاپ ژان پل اول بطور ناگهانی می‌مرد.

و او مرد.

در فاصلهٔ شامگاه ششم مهر و سحرگاه هفتم مهر ۱۳۵۷، سی و سه روز پس از انتخابش به مقام پاپ ژان پل اول، آلبینو لوجانی مرد.

زمان مرگ: نامعلوم. علت مرگ: نامعلوم

من معتقدم که رویدادها و شرایطی که در این کتاب شرح داده شده‌اند، بیانگر حقیقت راز مرگ آلبینو لوجانی است و بر این باورم که یکی از این نشش مرد، در ادامهٔ یک سلسله برنامه‌ریزیها، غروب روز ششم مهر ۱۳۵۷ دست به اقدامی زد تا مشکلات ایجادشده توسط پاپ جدید را حل کند. یکی از همین نشش مرد، در قلب توطئه‌ای قرار داشت که «راه حل ایتالیایی» را مؤثّر می‌دانست.

آلبینو لوجانی در چهارم شهریور ۱۳۵۷، به سمت پاپ برگزیده شد. اندکی بعد از پایان جلسهٔ مطران‌ها. کاردینال انگلیسی باسیل هیوم به خیرنگاران گفت: «تصمیم، غیرمنتظره بود؛ اما آنگاه که گرفته شد، کاملاً بحق می‌نمود. این احساس که او درست همان شخص مورد نظر است، چنان در همهٔ وجود داشت که می‌توان گفت بی شک او نمایندهٔ خداست.»

و سی روز بعد، «نمایندهٔ خدا» مرد.

آنچه در این مجموعه می‌آید، حاصل سه سال بررسی و تحقیق مستمر، دربارهٔ آن امر است. برای انجام چنین تحقیقی، لازم بود برای خود ضوابطی را تعیین کنم؛ داستان را باید از ابتدا شروع کرد. متونی معرفی نشود و سپس توضیحاتی دربارهٔ خصوصیات اخلاقی آلبینو لوجانی ارائه گردد.

پیشگفتار

زهین روحانی یک پنجم مردّم دنیا، از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار است. با وجود این بسیاری در آغاز کار آلبینو لوجانی (Albino Luciani)، بعنوان پاپ ژان پل اول (Papa Johannes Paulus I) مشکلی می‌نوانستند باور کنند که وی ظرفیت پذیرش چنین قدرتی را داشته باشد. کمروبی و تواضع این ایتالیایی ۶۵ سالهٔ آرام و کوچک اندام، موجب می‌شد تا بسیاری تصور کنند اقدامات وی در مقام پاپ، چندان جالب توجه نخواهد بود؛ امّا آنگاه به مسائل پشت پرده، عقیده‌ای دیگر داشتند. بنهٔ هذا آلبینو لوجانی دست به ایجاد تحوّلی بزرگ، دست به یک انقلاب زده بود.

تا ۶ مهر ۱۲۵۷، سی و سه روز از رسیدن وی به مقام پاپی می‌گذشت. در این مدت کم، اقدامات بسیاری را آغاز کرده بود که در صورت به نتیجه رسیدن، تأثیری مستقیم و عمیق بر زندگی همه می‌گذاشت. بیشتر مردم دنیا، تصمیماتش را تحسین می‌کردند و عدّهٔ کمی هم، از آنها واهمه می‌دانستند. مردی که خیلی زود بعنوان «پاپ خنده‌رو» لقب گرفته بود، قصد داشت روز بعد، لیخد از آن چهره‌های بسیاری بزاید.

آتش، لوجانی در اتاق غذاخوری طبقهٔ سوّم قصر اپوستولیک (Apostolic)، در وایتکان‌سیتی، (Vatican City) آمادهٔ صرف شام می‌شد. دو تن از وزرایش، او را همراهی می‌کردند: پدر دیگو لورتسنی که بیش از دو سال در دورهٔ سراسقفی لوجانی در ونیز، بعنوان اسقف یا او همکاری نزدیک داشت و پدر جان مگی که بعد از انتخابش بعنوان پاپ، به او پیوسته بود. درحالیکه راهبه‌های ویژهٔ اقامتگاه پاپ، مضطربانه اینسو و آنسو می‌رفتند، آلبینو لوجانی، شام مختصری را که عیارت بود از سوپ ساده، گوشت گوساله، لوبیای تازه و مقداری سلاّد، صرف کرد. به عیازهٔ آخری او — درحالیکه جره‌جرعه از لیوان، آب می‌نوشید — به توفاهای روز گذشته و تصمیمات اخیرش، می‌اندیشید. او اصلاً تمایلی به احراز این سمت نداشت و تلاشی هم برای بدست آوردن رای، برای موفقیت در انتخابات نکرده بود. اکنون، با رسیدن به این مقام، مسئولیتهای زیادی بر دوشش بود.

در همان حال که خواهران انجلیتا، ونجنترزا، (Vincenza) آسونتا، (Asonta) کلوریندا (Clorinda) و گابریئا (Gabriita) شام آن سه مرد را می‌داند و آنها نیز برنامهٔ اخبار تلویزیونی ایتالیا را تماشا می‌کردند، مردان دیگری بسدّت نگران فعالیتهای پاپ آلبینو لوجانی بودند.

یک طبقه پایین‌تر از اقامتگاه پاپ، چراغهای بانک وایتکان هنوز روشن بود. اسقف پل مارسیئوسکوس، (Paul Marcinkus) رئیس بانک، مسئله‌هایی مهمتر از صرف شام داشت. مارسیئوسکوس، منوئل شیکاگو، تلاش برای بقا را در

بانک می‌شد — غیر از کالوی شخص دیگری را نیز رسوا می‌کرد و آن شخص، میکله سیندونا بود.

در شیکاگو، شاهزادهٔ دیگری از کلیسای کاتولیک نیز نگران اتفاقات وایتکان بود: کاردینال جان کودی، فرمانروای نروئمندترین اسقفیهٔ جهان. کودی بر بیش از ۲/۵ میلیون کاتولیک، ۳۰۰ کشیش و بیش از ۴۵۰ بیخ با درآمد سالانهٔ هنگفت حکمرانی می‌کرد. وی از آشکار کردن کل مبلغ درآمد اسقفیهٔ خود امتناع می‌ورزید. مبلغ مذکور، درحقیقت بیش از ۲۵۰،۰۰۰ دلار بود. پنهانکاری در

امور مالی تنها یکی از خلافتهای او را شامل می‌شد. تا سال ۱۲۵۷، سیزده سال از حکمرانی کودی بر کلیسای شیکاگو می‌گذشت و نارضایتی مردم از وی به اوج خود رسیده بود. پاپ پل، سالها برای برکناری او تحت فشار بود. حتی یکبار عزم خود را برای برکنارشیز جرم گذا، اما در آخرین لحظات تصمیم خود را تغییر داد.

در اوایل مهر، کودی پیامی تلفنی از رم دریافت کرد. رازی از دهکدهٔ وایتکان به بیرون درز می‌کرد؛ رازی از مجموعهٔ اسرار پشت پرده که او سالها برای دریاقتشان مبالغ هنگفتی را پرداخت می‌کرد. در این پیام به او اطلاع دادند که آنچه پاپ پل نوانست انجام دهد. ژان پل انجام داد. پاپ تصمیم گرفته بود که کاردینال ژان کودی را برکنار نماید.

حداقل سه تن از مردان نابرده، در سایهٔ قدرت شخص دیگری قرار داشتند. لئجو جتی. به او لقب «امیرداد دست‌نشانگان» داده بودند؛ دست‌نشانگانی که

تعدادشان زیاد بود و در بسیاری از کشورها گمارده شده بودند. P- در اختیار

جتی بود و از این طریق ایتالیا را تحت نفوذ خود داشت. ارباب دست‌نشانگان، بازنگری در بوتئوس-آیرس — شهری که در آن با کالوی دربارهٔ مسئلهٔ پاپ جدید به گفتگو مشغول بود — بازگشت پیروزمندانهٔ ژنرال پرون را به مسند قدرت فراهم کرده بود و پرون نیز به پاس خدمات او در جلوی پایش زانو زد. اگر بر اثر اقدامات آلبینو لوجانی، خطری مارسیئوس، سیندونا یا کالوی را تهدید می‌کرد، منافع جتی نیز ایجاب می‌کرد که از آنها رفع خطر کند.

در آن روز ششم مهر ۱۲۵۷، بوضوح روشن بود که این شش مرد: مارسیئوسکوس، ویلو، کالوی، کودی، سیندونا و جتی از ادامهٔ کار ژان پل اول بعنوان پاپ، وحشت دارند و باز روشن بود که همهٔ آنها می‌توانند از راههای مختلفی قدرت خود را حفظ کنند؛ اگر، پاپ ژان پل اول بطور ناگهانی می‌مرد.

در فاصلهٔ شامگاه ششم مهر و سحرگاه هفتم مهر ۱۲۵۷، سی و سه روز پس از انتخابش به مقام پاپ ژان پل اول، آلبینو لوجانی مرد.

زمان مرگ: نامعلوم. علت مرگ: نامعلوم

من معتدم که رویدادها و شرایطی که در این کتاب شرح داده شده‌اند، بیانگر حقیقت راز مرگ آلبینو لوجانی است و بر این باورم که یکی از این شش مرد، در ادامهٔ یک سلسله برنامه‌ریزیها، غروب روز ششم مهر ۱۲۵۷ دست به اقدامی زد تا مشکلات ایجادشده توسط پاپ جدید را حل کند. یکی از همین شش مرد، در قلب توطئه‌ای قرار داشت که «راه حل ایتالیایی» را مؤثّر می‌دانست.

آلبینو لوجانی در چهارم شهریور ۱۲۵۷، به سمت پاپ برگزیده شد. اندکی بعد از پایان جلسهٔ مطران‌ها. کاردینال انگلیسی باسیل هیوم به خیرنگاران گفت: «تصمیم، غیرمنتظره بود؛ امّا آنگاه که گرفته شد، کاملاً بحق می‌نمود. این احساس که او درست همان شخص مورد نظر است، چنان در همهٔ وجود داشت که می‌توان گفت بی شک او نمایندهٔ خداست.»

سی و سه روز بعد، «نمایندهٔ خدا» مرد.

آنچه در این مجموعه می‌آید، حاصل سه سال بررسی و تحقیق مستمر، دربارهٔ آن امر است. برای انجام چنین تحقیقی، لازم بود برای خود ضوابطی را تعیین کنم؛ داستان را باید از ابتدا شروع کرد. متونی معرفی شود و سپس توضیحاتی دربارهٔ خصوصیات اخلاقی آلبینو لوجانی ارائه گردد.